



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سیره نبوی

و گسترش سریع اسلام

آیت الله مرتضی مطهری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیره نبوی و گسترش سریع اسلام

نویسنده:

آیت الله شهید مرتضی مطهری (ره)

ناشر چاپی:

جمهوری اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | سیره نبوی و گسترش سریع اسلام |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | مقدمه |
| ۷ | نرمش در مسائل شخصی و صلابت در مسائل اصولی |
| ۱۰ | پرهیز از خشونت در دعوت و تبلیغ |
| ۱۰ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

سیره نبوی و گسترش سریع اسلام

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۲-۱۳۱۵۵

سرشناسه: مطهری مرتضی آیت‌الله

عنوان و نام پدیدآور: سیره نبوی و گسترش سریع اسلام مطهری مرتضی آیت‌الله
منشا مقاله: ، جمهوری اسلامی (۱۹ دی ۱۳۷۲): ص ۱۲، ۱۴.

توصیفگر: اخلاق اسلامی

توصیفگر: اسلام

توصیفگر:

مقدمه

فبما رحمۃ من الله لت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله. مساله گسترش سریع اسلام یکی از مسائل مهم تاریخی جهان است که درباره علل آن بحث و گفتگو می‌شود. البته مسیحیت و تا اندازه‌ای دین بودا هم از ادیانی هستند که در جهان گسترش یافته‌اند، مخصوصا مسیحیت که مهد و سرزمینش بیت المقدس است ولی در غرب جهان بیش از شرق جهان گسترش یافته است. همچنانکه می‌دانیم اکثریت مردم اروپا و آمریکا مسیحی هستند گو اینکه مسیحی بودن آنها اخیرا بیشتر جنبه اسمی دارند نه رسمی و واقعی، ولی بالاخره منطقه آنها منطقه مسیحیت شمرده می‌شود. دین بودا هم دینی است که ظهورش در هند بوده است. بودا در هند ظهور کرد ولی گسترش دین او بیشتر در خارج هند مثلا- در ژاپن و چین است و البته در خود هند هم پیروانی دارد. دین یهود دینی است قومی و نژادی، محدود و از یک قوم و نژاد خارج نشده است. دین زردشت هم تقریبا دینی است محلی که در داخل ایران ظهور کرد و حتی نتوانست همه مردم ایران را اقناع کند و به هر حال پا از ایران بیرون نگذاشت و اگر امروز می‌بینیم زردشتیهایی در هند هستند که به نام «پارسیان هند» معروفند، آنها هندی نیستند بلکه زردشتیهای ایرانی هستند که از ایران به هند مهاجرت کرده‌اند، و همینها که از ایران به هند مهاجرت کرده‌اند نتوانسته‌اند یک هسته زنده‌ای را تشکیل بدهند و دین زردشت را در میان دیگران گسترش بدهند. اسلام از آن جهت که از سرزمین خودش خارج شد و افقهای دیگری را گشود مانند مسیحیت است. اسلام در جزیره العرب ظهور کرد و امروز ما می‌بینیم که در آسیا، آفریقا، اروپا، آمریکا و در میان نژادهای مختلف دنیا پیروانی دارد و حتی عدد مسلمین گو اینکه مسیحیها کوشش می‌کنند کمتر از آنچه که هست نشان بدهند و اغلب کتابهای ما آمارشان را از فرنگیها می‌گرفتند ولی طبق تحقیقی که در این زمینه به عمل آمده شاید از عدد مسیحیها بیشتر باشد و کمتر نباشد. ولی در اسلام یک خصوصیتی هست از نظر گسترش که در مسیحیت نیست و آن مساله سرعت گسترش اسلام است. مسیحیت خیلی کند پیشروی کرده است ولی اسلام فوق العاده سریع پیشروی کرده است، چه در سرزمین عربستان و چه در خارج عربستان، چه در آسیا، چه در آفریقا و چه در جاهای دیگر. این مساله مطرح است که چرا اسلام این اندازه سریع پیشروی کرد. حتی لامارتین شاعر معروف فرانسوی می‌گوید اگر سه چیز را در نظر بگیریم، احدی به پایه پیغمبر اسلام نمی‌رسید، یکی فقدان وسایل مادی: مردی ظهور می‌کند و دعوتی می‌کند در حالی که هیچ نیرو و قدرتی ندارد و حتی نزدیکترین افرادش و خاندان خودش با او به دشمنی بر می‌خیزند، تک ظهور می‌کند، هیچ همکار و همدستی ندارد، از خودش شروع می‌شود، همسرش به او ایمان می‌آورد، طفلی که در خانه هست و پسر عموی اوست (علی علیه السلام) ایمان می‌آورد،

تدریجا افراد دیگر ایمان می‌آورند آنهم در چه سختیها و مشقتها! و دیگر سرعت پیشرفت یا عامل زمان، و سوم بزرگی هدف. اگر اهمیت هدف را با فقدان وسایل و با سرعتی که با این فقدان وسایل به آن هدف رسیده است در نظر بگیریم، پیغمبر اسلام - به گفته لامارتین و درست می‌گوید - در دنیا شبیه و نظیر ندارد. مسیحیت اگر در دنیا نفوذ و پیشرفتی! ۱۷۳ پیدا کرد، بعد از چند صد سال که از رفع مسیح گذشته بود تا اندازه‌ای در جهان جایی برای خود پیدا کرد. راجع به علل پیشرفت سریع اسلام، ما به تناسب بحث خودمان که بحث در سیره نبوی است سخن می‌گوییم. قرآن این مطلب را توضیح داده است و تاریخ هم همین مطلب را به وضوح تایید می‌کند که یکی از آن علل و عوامل «سیره نبوی و روش پیغمبر اکرم یعنی خلق و خوی و رفتار و طرز دعوت و تبلیغ پیغمبر اکرم است. البته علل دیگری هم در کار است. خود قرآن که معجزه پیغمبر است، آن زیبایی قرآن، آن عمق قرآن، آن شورانگیزی قرآن، آن جاذبه قرآن، بدون شک عامل اول است. عامل اول برای نفوذ و توسعه اسلام در هر جا خود قرآن و محتوای قرآن است. ولی از قرآن که صرف نظر کنیم، شخصیت رسول اکرم، خلق و خوی رسول اکرم، سیره رسول اکرم، طرز رفتار رسول اکرم، نوع رهبری و مدیریت رسول اکرم عامل دوم نفوذ و توسعه اسلام است و حتی بعد از وفات پیغمبر اکرم هم تاریخ زندگی پیغمبر اکرم یعنی سیره او که بعد در تاریخ نقل شده است، خود این سیره تاریخی عامل بزرگی بوده است برای پیشرفت اسلام. آیه‌ای که در ابتدای سختم تلاوت کردم می‌فرماید: *فبما رحمة من الله لنت لهم*. خدا به پیغمبرش خطاب می‌کند: ای پیامبر گرامی! به موجب رحمت الهی به تو، در پرتو لطف خدا تو نسبت به مسلمین اخلاق لین و نرم و بسیار ملایمی داری، نرمش داری، ملایم هستی، روحیه تو روحیه‌ای است که با مسلمین همیشه در حال ملایمت و حلم و بردباری و حسن خلق و حسن رفتار و تحمل و عفو و امثال اینها هستی. و لو كنت فظا غليظ القلب لا نفضوا من حولك. اگر این خلق و خوی تو نبود، اگر به جای این اخلاق نرم و ملایم اخلاق خشن و درشتی داشتی، مسلمانان از دور تو پراکنده می‌شدند، یعنی این اخلاق تو خود یک عاملی است برای جذب مسلمین. این خودش نشان می‌دهد که رهبر، مدیر و آن که مردم را به اسلام دعوت می‌کند و می‌خواند یکی از شرایطش این است که در اخلاق شخصی و فردی نرم و ملایم باشد. در اینجا توضیحاتی باید بدهم که جواب بعضی از سؤالاتی که در ذهنها پیدا می‌شود داده بشود.

نرمش در مسائل شخصی و صلابت در مسائل اصولی

اینکه عرض می‌کنیم پیغمبر ملایم بود و باید یک رهبر ملایم باشد، مقصود این است که پیغمبر در مسائل فردی و شخصی نرم و ملایم بود نه در مسائل اصولی و کلی. در آنجا پیغمبر صد در صد صلابت داشت یعنی انعطاف ناپذیر بود. یک وقت کسی رفتار بدی راجع به شخص پیغمبر می‌کرد، مثلا به شخص پیغمبر اهانت می‌کرد. این، مساله‌ای بود مربوط به شخص خودش. و یک وقت کسی قانون اسلام را نقض می‌کرد، مثلا - دزدی می‌کرد. آیا اینکه می‌گوییم پیغمبر نرم بود مقصود چیست؟ آیا یعنی اگر کسی شرب خمر می‌کرد پیغمبر می‌گفت مهم نیست، تازیانه به او نزنید، مجازاتش نکنید؟! آن، دیگر مربوط به شخص پیغمبر نبود، مربوط به قانون اسلام بود. آیا اگر کسی دزدی می‌کرد باز پیغمبر می‌گفت مهم نیست، لازم نیست مجازات بشود؟! ابدا. پیغمبر در سلوک فردی و در امور شخصی نرم و ملایم بود ولی در تعهدها و مسؤولیتهای اجتماعی نهایت درجه صلابت داشت. مثالی عرض می‌کنم: شخصی می‌آید در کوچه جلوی پیغمبر را می‌گیرد، مدعی می‌شود که من از تو طلبکارم، طلب مرا الآن باید بدهی. پیغمبر می‌گوید: اولاً - تو از من طلبکار نیستی و بیخود ادعا می‌کنی، و ثانياً الآن پول همراهم نیست، اجازه بده بروم. می‌گوید: یک قدم نمی‌گذارم آن طرف بروی (پیغمبر هم می‌خواهد برود در نماز شرکت کند) همین جا باید پول من را بدهی و دین مرا بردازی. هر چه پیغمبر با او نرمش نشان می‌دهد او بیشتر خشونت می‌ورزد تا آنجا که با پیغمبر گلاویز می‌شود و ردای پیغمبر را لوله می‌کند، دور گردن ایشان می‌پیچد و می‌کشد که اثر قرمزی‌اش در گردن پیغمبر ظاهر می‌شود. مسلمین می‌آیند که چرا پیغمبر دیر کرد، می‌بینند یک یهودی چنین ادعایی دارد. می‌خواهند خشونت کنند، پیغمبر می‌گوید: کاری نداشته باشید، من خودم! ۱۷۵

می‌دانم با رفیقم چه کنم. آنقدر نرمش نشان می‌دهد که یهودی همان جا می‌گوید: «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد انک رسول الله و می‌گوید تو با چنین قدرتی که داری اینهمه تحمل (نشان می‌دهی؟!)) این تحمل، تحمل یک فرد عادی نیست، پیغمبرانه است. ظاهراً در فتح مکه است، زنی از اشراف قریش دزدی کرده است. به حکم قانون اسلام دست دزد باید بریده شود. وقتی قضیه ثابت و مسلم شد و زن اقرار کرد که دزدی کرده‌ام، می‌بایست حکم درباره او اجرا می‌شد. اینجا بود که توصیه‌ها و وساطتها شروع شد. یکی گفت: یا رسول الله! اگر می‌شود از مجازات صرف نظر کنید، این زن دختر فلان شخص است که می‌دانید چقدر محترم است، آبروی یک فامیل محترم از بین می‌رود. پدرش آمد، برادرش آمد، دیگری آمد که آبروی یک فامیل محترم از بین می‌رود. هر چه گفتند: فرمود: محال و ممتنع است، آیا می‌گویید من قانون اسلام را معطل کنم؟! اگر همین زن یک زن بی‌کس می‌بود و وابسته به یک فامیل اشرافی نمی‌بود، همه شما می‌گفتید بله دزد است، باید مجازات بشود. آفتابه دزد مجازات بشود، یک فقیر که به علت فقرش مثلاً دزدی کرده مجازات بشود، ولی این زن به دلیل اینکه وابسته به اشراف قریش است و به قول شما آبروی یک فامیل اشرافی از بین می‌رود مجازات نشود؟! قانون خدا تعطیل بردار نیست. ابتدا شفاعتها و وساطتها را نپذیرفت. پس پیغمبر در مسائل اصولی هرگز نرمش نشان نمی‌داد در حالی که در مسائل شخصی فوق العاده نرم و مهربان بود و فوق العاده عفو داشت و با گذشت بود. پس اینها با یکدیگر اشتباه نشود. علی علیه السلام در مسائل فردی و شخصی در نهایت درجه نرم و مهربان و خوشروست، ولی در مسائل اصولی یک ذره انعطاف نمی‌پذیرد. دو نمونه را به عنوان دلیل ذکر می‌کنم. علی مردی بود بشاش، بر خلاف مقدس مآبهای ما که همیشه از مردم دیگر بهای مقدسی می‌خواهند، همیشه چهره‌های عبوس و اخمهای درهم کشیده دارند و هیچ وقت حاضر نیستند یک تبسم به لبشان بیاید، گویی لازمه قدس و تقوا عبوس بودن است. گفت: صبا از من بگو یار عبوسا قمطیرا را نمی‌چسبی به دل زحمت مده صمغ و کتیرا را چرا باید این طور بود و حال آنکه: «المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه مؤمن بشاشتش در چهره‌اش است و اندوهش در دلش. مؤمن اندوه خودش را در هر موردی (اندوه دنیا، اندوه آخرت، مربوط به زندگی فردی، مربوط به عالم آخرت، هر چه هست) در دلش نگه می‌دارد و وقتی با مردم مواجه می‌شود شادی‌اش را در چهره‌اش ظاهر می‌کند. علی علیه السلام همیشه با مردم با بشاشت و با چهره بشاش روبرو می‌شد، مثل خود پیغمبر. علی با مردم مزاح می‌کرد مادام که به حد باطل نرسد، همچنانکه پیغمبر مزاح می‌کرد. رنود (ضد) مولا- یگانه عیبی که برای خلافت به علی گرفتند - عیب واقعی که نمی‌توانستند بگیرند - این بود که گفتند: «عیب علی این است که خنده روست و مزاح می‌کند، مردی باید خلیفه بشود که عبوس باشد و مردم از او بترسند، وقتی به او نگاه می‌کنند بی‌جهت هم شده از او بترسند.» پس چرا پیغمبر این طور نبود؟ خدا که درباره پیغمبر می‌فرماید: «فبما رحمۃ من الله لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک. اگر تو آدم تندخو و خشن و سنگدلی می‌بودی، نمی‌توانستی مسلمین را جذب کنی و مسلمین از دور تو می‌رفتند. پس سبک و متد و روش و منطقی که اسلام در رهبری و مدیریت می‌پسندد لین بودن و نرم بودن و خوشخو بودن و جذب کردن است، نه عبوس بودن و خشن بودن آن طور که علی علیه السلام در باره خلیفه دوم می‌فرماید: «فصیرها فی حوزة خشاء یغلظ کلمها و یخشن مسها و یكثر العثار فیها و الاعتذار منها.» ابو بکر خلافت را به شخصی داد دارای طبیعت و روحی خشن، مردم از او می‌ترسیدند، عبوس (مثل مقدسهای ما) و خشن که ابن عباس می‌گفت فلان مساله را تا عمر زنده بود جرات نکردم طرح کنم و گفتیم: «دره عمر اهیب من سیف حجاج تازیانه عمر هیبتش از شمشیر حجاج بیشتر است. چرا باید این طور باشد؟! علی در مسائل شخصی خوشخو و خنده رو بود و مزاح می‌کرد ولی در مسائل اصولی انعطاف ناپذیر بود. برادرش عقیل چند روز بچه‌هایش را مخصوصاً گرسنه نگه می‌دارد، می‌خواهد صحنه بسازد، آنچنان این طفلکها را گرسنگی می‌دهد که چهره آنها از گرسنگی تیره می‌شود «کالعظم». بعد علی را دعوت می‌کند و به او می‌گوید: این بچه‌های گرسنه برادرت را ببین، قرض دارم، گرسنه هستم، چیزی ندارم، به من کمک کن. می‌فرماید: بسیار خوب، از حقوق خودم از بیت المال به تو می‌دهم. (عقیل می‌گوید) برادر جان! همه حقوق تو چه هست؟! چقدرش خرج تو بشود و چقدرش به من

برسد؟! دستور بده از بیت المال بدهند. علی علیه السلام دستور می‌دهد آهنی را داغ و قرمز می‌کنند و جلوی عقیل که کور بود می‌گذارند و می‌فرمایند: برادر، برادر! عقیل خیال کرد کیسه پول است. تا دستش را دراز کرد سوخت. خود عقیل می‌گوید: مثل یک گاو ناله کردم. تا ناله کرد، فرمود: «ثکلتک الثواکل یا عقیل، اتن من حدیده احمیها انسانها للعبه و تجرنی الی نار سجرها جبارها لغضبه.» همان علی‌ای که در مسائل شخصی و فردی آنقدر نرم است، در مسائل اصولی، در آنچه که مربوط به مقررات الهی و حقوق اجتماعی است تا این اندازه صلابت دارد، و همان عمر که در مسائل شخصی اینهمه خشونت داشت و با زنش با خشونت رفتار می‌کرد، با پسرش با خشونت رفتار می‌کرد، با معاشرانش با خشونت رفتار می‌کرد، در مسائل اصولی تا حد زیادی نرمش نشان می‌داد. مساله تبعیض در بیت المال از عمر شروع شد که سهام مسلمین را بر اساس یک نوع مصلحت‌بینی‌ها و سیاست‌بازی‌ها به تفاوت بدهند، یعنی بر خلاف سیره پیغمبر. در مسائل اصولی انعطاف داشتند و در مسائل فردی خشونت، و حال آنکه پیغمبر و علی در مسائل فردی نرم بودند و در مسائل اصولی با صلابت. قرآن می‌فرماید: «فبما رحمة من الله لنت لهم به موجب لطف پروردگار، رفتار شخصی و فردی تو با مسلمین رفتار ملایم است و به همین جهت مسلمین را جذب کرده‌ای، و اگر تو آدم خشن و قسی‌القلبی می‌بودی مسلمین از دور تو پراکنده می‌شدند. فاعف عنهم گذشت داشته باش، عفو کن، بگذر. (خود عفو داشتن از شئون نرمی است) و استغفر لهم برای مسلمین استغفار و طلب مغفرت کن، لغزشی می‌کنند، نزد تو می‌آیند، برایشان دعا و طلب مغفرت کن. پیغمبر با مسلمین آنچنان اخلاق نرمی داشت که عجیب بود. فریفتگی و شیفتگی مسلمین نسبت به پیغمبر فوق العاده است. پیغمبر اکرم با مسلمین آنچنان یگانه است که مثلاً زنی که بچه‌اش متولد شده بود می‌دوید: یا رسول الله! دلم می‌خواهد به گوش این بچه من اذان و اقامه بگویی. یا دیگری بچه یک ساله‌اش را می‌آورد: یا رسول الله! دلم می‌خواهد این بچه مرا مقداری روی زانوی خودت بنشانی و به او نگاه کنی تا تبرک بشود، یا به بچه‌ام دعا کنی، می‌فرمود: بسیار خوب. حدیث دارد، شیعه و سنی روایت کرده‌اند که گاهی اتفاق می‌افتاد بچه در دامن پیغمبر ادرار می‌کرد. تا او ادرارش شروع می‌شد، پدر و مادرها ناراحت و عصبانی می‌دویدند که بچه را از بغل پیغمبر بگیرند. می‌فرمود: «لا- ترموا» این کار را نکنید، بچه است، ادرارش گرفته است، کاری نکنید ادرار بچه قطع بشود که موجب بیماری می‌شود. (و این مساله‌ای است که در طب و روانشناسی امروز ثابت شده که این کار بسیار اشتباه است: گاهی پدر و مادرهایی بچه‌شان را در جایی نشانده‌اند، این بچه ادرار می‌کند، برای اینکه جلوی ادرار بچه را بگیرند فوراً او را با عصبانیت به طرفی پرت می‌کنند یا به سرش فریاد می‌کشند، و بسا هست که این بچه یک بیماری پیدا می‌کند که تا آخر عمر اثرش از بین نمی‌رود، چون یک حالت هیجان و گمراهی پیدا می‌کند. از نظر بچه ادرار کردن یک امر طبیعی است، بعد با عکس‌العمل شدید پدر یا مادر مواجه می‌شود. طبیعت می‌گوید ادرار کن، امر پدر یا مادر می‌گوید ادرار نکن، در نتیجه دچار هیجان و اضطراب و آشفتگی روحی می‌شود.) تا این حد پیغمبر اکرم (ملایم بود). مشورت «و شاورهم فی الامر». این هم از شئون اخلاق نرم و ملایم پیغمبر بود. (قرآن ۱۷۹ می‌گوید) پیغمبر ما، عزیز ما! در کارها با مسلمین مشورت کن. عجب! پیغمبر است، نیازی به مشورت ندارد. رهبری مشورت می‌کند که نیاز به مشورت دارد. او نیاز به امر مشورت ندارد ولی برای اینکه این اصل را پایه‌گذاری نکند که بعدها هر کس که حاکم و رهبر شد، (بگویند او) ما فوق دیگران است، او فقط باید دستور بدهد دیگران باید عمل کنند و مشورت معنی ندارد، (لهذا مشورت می‌کرد.) علی هم مشورت می‌کرد، پیغمبر هم مشورت می‌کرد. آنها نیازی به مشورت نداشتند ولی مشورت می‌کردند برای اینکه اولاً- دیگران یاد بگیرند، و ثانیاً مشورت کردن شخصیت دادن به همراهان و پیروان است. آن رهبری که مشورت نکرده -و لو صد در صد هم یقین داشته باشد- تصمیم می‌گیرد، اتباع او چه حس می‌کنند؟ می‌گویند پس معلوم می‌شود ما حکم ابزار را داریم، ابزاری بی‌روح و بی‌جان. ولی وقتی خود آنها را در جریان گذاشتید، روشن کردید و در تصمیم شریک نمودید، احساس شخصیت می‌کنند و در نتیجه بهتر پیروی می‌کنند. «و شاورهم فی الامر فاذا عزم فتوکل علی الله.» ای پیغمبر! ولی کار مشورت به آنجا نکشد که مثل آدمهای دو دل باشی، قبل از اینکه تصمیم‌گیری مشورت کن،

ولی رهبر همین قدر که تصمیم گرفت تصمیمش باید قاطع باشد. بعد از تصمیم یکی می‌گوید: اگر این جور کنیم چطور است؟ دیگری می‌گوید: آن جور کنیم چطور است؟ باید گفت: نه، دیگر تصمیم گرفتیم و کار تمام شد. قبل از تصمیم مشورت، بعد از تصمیم قاطعیت. همین قدر که تصمیم گرفتی، به خدا توکل کن و کار خودت را شروع کن و از خدای متعال هم مدد بخواه. این مطلب را که عرض کردم به مناسبت بحث دعوت و تبلیغ بود که یکی از اصول دعوت و تبلیغ، رفق و نرمش و ملایمت و پرهیز از هر گونه خشونت و اکراه و اجبار است. خود مساله رهبری و مدیریت مساله مستقلی در سیره نبوی است که اگر بخواهیم یک سیره تحلیلی بیان کنیم یکی از مسائل آن روش پیغمبر اکرم در مدیریت و اداره جامعه است که مقداری به تناسب عرض کردم که پیغمبر اکرم در مدیریتشان چگونه بودند و علی علیه السلام هم همان طور، و به هر حال خود بحث روش پیغمبر در مدیریت بحث مستقلی است و ان شاء الله شاید در جلسه دیگری بحث خودم را درباره سیره نبوی ادامه بدهم و قسمتهای دیگری از سیره نبوی را از جمله در باب رهبری و مدیریت عرض کنم. فعلا بحث ما در دعوت و تبلیغ است.

پرهیز از خشونت در دعوت و تبلیغ

دعوت نباید توأم با خشونت باشد، و به عبارت دیگر دعوت و تبلیغ نمی‌تواند توأم با اکراه و اجبار باشد. مساله‌ای است که خیلی می‌پرسند: آیا اساس دعوت اسلام بر زور و اجبار است؟ یعنی ایمان اسلام اساسش بر اجبار است؟ این، چیزی است که کشیشهای مسیحی در دنیا روی آن فوق العاده تبلیغ کرده‌اند. اسم اسلام را گذاشته‌اند «دین شمشیر» یعنی دینی که منحصر از شمشیر استفاده می‌کند. شک ندارد که اسلام دین شمشیر هم هست و این کمالی است در اسلام نه نقصی در اسلام، ولی آنها که می‌گویند «اسلام دین شمشیر» می‌خواهند بگویند ابزاری که اسلام در دعوت خودش به کار می‌برد شمشیر است، یعنی چنانکه قرآن می‌گوید: ادع الی سبیل ربک بالحکمۃ و الموعظۃ الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن. آنها می‌خواهند این طور وانمود کنند که دستور پیغمبر اسلام این بوده: «ادع بالسیف». حالا کسی نیست بگوید پس چرا قرآن گفته است: «ادع الی سبیل ربک بالحکمۃ و الموعظۃ الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن و در عمل هم پیغمبر چنین بوده است؟ یک نوع خلط مبحثی می‌کنند، بعد می‌گویند اسلام دین ادع بالسیف است، دعوت و تبلیغ کن با شمشیر. حتی در بعضی از کتابهایشان به پیغمبر اکرم اهانت می‌کنند، کاریکاتور مردی را می‌کشند که در یک دستش قرآن است و در دست دیگرش شمشیر، و بالای سر افراد ایستاده که یا باید به این قرآن ایمان بیاوری و یا گردنت را می‌زنم. کشیشها از این کارها در دنیا زیاد کرده‌اند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

